

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌میرمی، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ • ۴۳۲۷۰۸۸۹۳ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترق

پنجشنبه ۱ شهریور ۱۴۰۲ • ۱۷ صفر ۱۴۴۶ • ۲۲ آگوست ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۹۱۰ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۰۷ • اذان مغرب ۱۹:۰۴ • اذان صبح فردا ۴:۰۰ • طلوع آفتاب ۵:۳۰

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1



«شبه‌بازار خام» در ۱۵کیلومتری شهر رشت و در مسیر رشت-انزلی هر شنبه از ۶ غروب تا ۱۲ شب برگزار می‌شود. اغلب فروشندگان

این بازار را زنان تشکیل می‌دهند، آنها همراه با فرزندان خود به بازار می‌آیند و کارهای دست خود را در این بازار به فروش می‌رسانند. عکس: سیدجواد میرحسینی، ایستا

یک تکه از آسمان یوش

نگاهی به رباعیات سپید ایرج زبردست

علی تسلیمی

گوینده یک تکه دیگر از یوش را در اینجا آورده است:
گوینده شعر نیما در طبیعت می‌زیست نه بر طبیعت.
شعر مدرن و متفاوت یکی از ویژگی‌هایش همین است: انسان سوژه‌ای نیست که طبیعت را از آن خود سازد و بر آن فرمانروایی کند. وی می‌خواهد با پرنده، کوه، درخت، چشمه و در یک سخن با طبیعت یگانه شود و خود، یکی از عناصر طبیعت و محیط زیست باشد، اما از انسان‌هایی که ویرانگر و سوژه‌اند، بیگانه و «تتها» شود. شعر تراژیکی که تنها در سطر پایانی با سازوکار شکستِ اجزای جمله، بی‌وزن خوانده نمی‌شود، از این دفتر می‌خوانیم:

از تعد که رد شدیم/ بعدی دیگر آمد/ و هزار بعد از بعد گذر کردند/ تمام بَعد‌ها بعد شدند/ بی‌بعد/ من و تو/ بعد کردیم سفر...

تکرارهای واژه «بعد» در این شعر به‌هیچ‌رو بیهوده نیست. هر بُعدی یکی از هفت‌خان مشکلات و اسارت است که هرگز ما را از آن گریزی نیست. از هر مانعی که بگذریم مانعی دیگر در پیش است. ابهام مدرن آخر شعر، خواندنی‌تر هم می‌شود. می‌توان گفت که در پایان آسوده شده‌ایم و بی‌بعد و بی‌مناع، من و تو سفر کرده‌ایم. اما پس از هفت بُعد، بُعد و خان هشتم‌که در سطر پایانی آمده، طنز است که این بُعد، تنها از روی عادت گفته شده است و شاید طنز تلخی بیش نیست؛ یعنی هفت‌خان ما تمامی ندارد. شاید این شعر تراژیک‌تر از این طنز تلخ باشد:

شاهنامه خوانی

اسفندیار در خان هشتم^(۲)

اسفندیار فرزند خویش،
بهمن را فراخواند و به او گفت:
«بر اسبی سیاه بنشین و تن را
به دیبای چین بیاری و بر سر
افسر خسروانی بگذار،
به‌گونه‌ای که هرکس تو را ببیند،
دریابد از خاندانی والا‌جاه هستی.
آن‌گاه به سرای رستم رفته،
او را درود

فرستاده، بسیار بستای و بگویدش هرکس جایگاه بلندی دارد، به مهر یزدان بی‌گزند مانده است
استد سیاسی‌مند دادار باشد که او جاوید و نیکی‌شناس است و هر آن که از زشتی بپرهیزد در این گیتی همچنان روزگار به شادی می‌گذراند و در آن گیتی نیز بهشت از آن او خواهد شد و اکنون که همه این نیکویی‌ها را از پدران ما دیده است و همه آنچه دارد از کنج و نام خاندان ماست، چرا تاکنون نه با فروتنی به دیدار لهراسب آمده و نه به جاکری به درگاه گشتاسب رفته است و نه‌تنها به دیدار او در سراسر روزگاران شهرداری‌اش نشناخته، نامه‌ای نیز بر بندگی و جاکری ننکاشته و او خود می‌داند در میان همه شاهان ایران از هوشنگ و جمشید و فریدون‌گرد که ریشه ستم ضحاک را برکند، گشتاسب از همه برتر و فرهیمندتر است و در رزم و بزم و اندیشه و شکار شهرداری چون او نیست و رستم خود نیک‌تر می‌داند چون گشتاسب دین بهیی را پذیرا شد، گمراهی و بی‌ری‌ی ناپدید گشت و آن‌گاه که ار جاسب به جنگ گشتاسب آمد، آن چنان شکستی را پذیرا شد که همه دشت از تن‌های بی‌سر و سرهای دورمانده از تن سپاهیان چینی پوشیده شد و این نبرد تا رستخیز بر زبان‌های مردان خواهد ماند، اکنون از خاور تا باختر تنها گشتاسب را زبینه است و از توران‌زمین تا هند و روم همه در دست او چون موم هستند و از دشت سواران نیزه گذار پیوسته سوارانی در درگاه اویند و از همه مرزهای گیتی برای او باج و ساو می‌رسد، چراکه کس را توان رویارویی با او نیست و در پایان او را بگو که شهیرار ایران از او آزرده است که چرا به بارگاه او نرفته و به آن نامداران نگاه از سر فروتنی نیفتکده و چنین به نظر می‌رسد که رستم در جهان گرانی گرفته و خویشتر را برتر می‌داند و به بارگاه شهیرار ایران گام نمی‌گذارد و به شاه مهری ندارد و نگاهی نمی‌افکند. آشکار است که شهیرار ایران نیکویی‌های او را با شاهان پیشین فراموش نکرده و کنجی که امروزه در کف دارد، سزای رنجی است که به آرزو پذیرا شده است. دریغا دیری است رستم سست گشته و شهیرار ایران را نادیده انگاشته، از این‌روی گشتاسب برآشفته است و به روز سپید و

شب لاژورد سوگند خورده که تنها او را در درگاه خود کت فروبسته ببیند و اکنون او از ایران با این اندیشه آمده تا فرمان شاه را به انجام رساند و رستم را بگو خردورزانه ببندیشد و از خشم گشتاسب بپرهیزد و اگر به اینجا بیاید و فرمان پذیرد و از شاه ایران

پوزش بخواهد، به خورشید رخشان و جان زریز و به جان گشتاسب، آن جهاندار شیر، شهیرار ایران را آرام خواهد گرداند و رستم را بگو من همان شاه گفتم و اگر سخن به دروغ گویم، جانم هرگز فروغی نکیرد و برادر خویش را گواه می‌گیرم برای این سخن و سرا چاره‌ای نیست مگر انجام فرمان شاه که او شهیرار است و من کهنترم. پیشنهاد من این است که همه دوده، زواره، فرامرز، زال و رودابه پاک‌سرشت در کنار یکدیگر به گفت‌وگو بنشینند و درباره فرمان شاه ببندیشند و همه پند مرا به گوش جان بشنوند و به هر آنچه گفتم گرایش نشان دهند تا مبدا آن خانه و آن خاندان ویران گردد که ویرانی آن خاندان، آرزوی دشمنان ایران است و چون تو را بسته نزد شاه برم، از تو و بزرگی‌های تو نزد او بسیار خواهم گفت و خود به خواهش از او خواهم خواست از خشم و کین درگذرد و با تو به مهر رفتار کند و هرگز نگذارم کمترین آسیبی به تو رسد.»

بهمن چون سخنان پدر بشنید، جامه زربفت بیوشید و کلاه مهی بر سر نهاد و با درفشی در دست از هیرمند با اسب بلند خود بگذشت.

دیده‌بانان خاندان نریمان چون او را دیدند که سوی زاولستان می‌آید، فغان سر دادند که دلبری، سوار بر اسب سیاهی سترگ از هیرمند گذر کرده است. زال بی‌درنگ بر اسبی پیل پیکر بنشست با کمندی بر فتراک و گریز در دست و چون از دور آن سوار را بدید، آهی سرد از سینه برکشید که آن نامور از خاندان شهیراران است و از لهراسب نژاد دارد، باشد که گام نهادن او به این سرزمین فرخنده باشد.

آن‌گاه به درگاه خود بازگشت و در این اندیشه شد از چه روی از درگاه شهیرار ایران سواری بدین سوی آمده است و در ژرفای دلش آشوبی برپا بود.

جهانجوی بگذشت بر هیرمند جوانی سرافراز و اسبی بلند هم اندر زمان دیده‌بانش بدید سوی زاولستان فغان برکشید که آمد نبرده سواری دلیر به هرای زرین سیاهی به زیر

مطالبه‌خوانی

مدافعان سلامت را

دریابید



حسین معافی

هنوز هیچ‌کس جان‌فشانی و گذشت مدافعان سلامت و کادر درمان را در دوران همه‌گیری کرونا فراموش نکرده است. چه بسیار عزیزانی که در این راه جان گران‌بهای خود را فدای هم‌میهنان کردند و به‌عنوان شهدای مدافع سلامت آسمانی شدند. در همان دوران کرونا نیز پرستاران دغدغه و خواسته‌هایی داشتند که به علت شرایط بحرانی جامعه سکوت کردند و به خدمت‌رسانی به مردم عزیز پرداختند. بعد از آن قول‌هایی برای ترمیم حقوق و مزایا و ارتقای کیفیت امکانات رفاهی و اجرای قانون تعرفه‌گذاری به پرستاران داده شد که به‌درستی اجرا نشدند.

چند روزی است که پرستاران در چند شهر ازجمله اراک برای پیگیری خواسته‌های خود دست به اعتراض و تحصن زده‌اند و اعتراض خود را به این وسیله اعلام کرده‌اند. این اعتراضات اخیر پرستاران ریشه در مجموعه‌ای از مشکلات و نارضایتی‌های طولانی‌مدت دارد. دلایل اصلی این اعتراضات را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

• حقوق پایین و تناسب‌نداشتن با حجم کار؛ یکی از مهم‌ترین دلایل اعتراض پرستاران، پایین‌بودن سطح دستمزد آنها در مقایسه با حجم کاری سنگین و مسئولیت‌پذیری بالایی است که بر عهده دارند. این موضوع به‌ویژه در مقایسه با دیگر مشاغل پزشکی و حتی دیگر مشاغل با مسئولیت مشابه، بسیار مشهود است.

• اضافه‌کاری اجباری و بدون پرداخت مناسب: بسیاری از پرستاران مجبور به انجام اضافه‌کاری‌های طولانی و بدون دریافت دستمزد مناسب هستند. این امر باعث خستگی مفرط، کاهش کیفیت خدمات و افزایش استرس در بین پرستاران می‌شود.

• اجرانشدن کامل قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری: قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری که مصوب شده است، به طور کامل اجرا نمی‌شود و پرستاران از مزایای آن به طور کامل بهره‌مند نمی‌شوند.
• کمبود نیروی انسانی: کمبود نیروی انسانی در بخش پرستاری باعث افزایش بار کاری هر پرستار و کاهش کیفیت خدمات می‌شود.

• نبود امنیت شغلی: بسیاری از پرستاران با قراردادهای موقت کار می‌کنند و امنیت شغلی کافی ندارند.

• تجهیزات پزشکی نامناسب: بسیاری از بیمارستان‌ها، تجهیزات پزشکی قدیمی و فرسوده است که باعث ایجاد مشکلات برای پرستاران و بیماران می‌شود.

• بی‌توجهی به مسائل رفاهی: پرستاران امکانات رفاهی مناسبی ندارند و این موضوع باعث کاهش انگیزه و رضایت شغلی در آنان می‌شود.

مسائل پرستاران می‌تواند به کاهش کیفیت خدمات درمانی در بیمارستان‌ها منجر شود و نارضایتی پرستاران می‌تواند باعث افزایش نارضایتی عمومی از سیستم بهداشتی و درمانی شود. نکته تأمل‌برانگیز این است که ادامه این وضعیت می‌تواند باعث مهاجرت بیشتر پرستاران و کادر درمان به دیگر کشورها شود و به کمبود نیروی انسانی در بخش پرستاری بیفزاید.

دولت و وزارت علوم پزشکی باید به افزایش حقوق و مزایای پرستاران اقدام کنند تا این قشر زحمتکش از نظر اقتصادی تامین شوند. همچنین باید اجرای کامل و دقیق قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری را عملیاتی کنند تا پرستاران از مزایای این قانون به طور کامل بهره‌مند شوند.

دولت باید برای تأمین تجهیزات پزشکی مناسب در بیمارستان‌ها اقدام کند و برای افزایش تعداد پرستاران و کاهش بار کاری هر پرستار برنامه‌ریزی کند. امنیت شغلی برای پرستاران و تبدیل قراردادهای موقت به دائم انجام شود و به مسائل رفاهی پرستاران توجه کرده و امکانات رفاهی مناسبی را برای آنان فراهم کند و مهم‌تر از همه جامعه باید به پرستاران به‌عنوان قهرمانان سلامت احترام بگذارد و از آنان حمایت کند. رئیس دانشگاه علوم پزشکی اراک از واریز اعتباراتی از طرف وزارت به حساب دانشگاه علوم پزشکی و از ابلاغ پنج‌برابرشدن مبلغ اضافه‌کاری اجباری در هفته آینده خبر داد.

شاید اگر این گفته‌ها عملیاتی شوند، پرستاران گرمی با خاطری آسوده به خدمت‌رسانی خود ادامه دهند.

شعر تصویری که آغاز تاریخ هنر و شعر را نشان می‌دهد تا هنر آنان را زنده کند، از سطر سوم سپید است:

در غار، زمان منجمد از مکث شتاب/ در غار، جهان خیره به تنهایی خواب/ دیواری پیر/ اولین شعرِ بشر/ خورشید/ آتش/ درخت/ گل / ماه/ شهاب

البته از واژه خورشید تا واژه شهاب همه تصویرند که من این‌گونه نوشته‌ام

یک بوم و هوای قامتی این گونه

یک دایره و اقامتی این گونه

یک شهر بکش که ساکنانش دارند

جای سرشان علامتی این گونه ؟

مکان، خیابان نجات الهی، جنب خیابان ورشو، خانه اندیشمندان علوم انسانی، سالن فردوسی